

دین زردشت در اوستا

بنیاد این زردشت بر یکتا پرستی است. نام خدای زردشت اورمزد، خدای جان دفرود است. با بررسی کلام می توان به بنیاد دین زردشت پی برد. این ۳۰ نشانه های است از اصول دین زردشت. برخلاف آنچه برخی می اندیشند، دین زردشت بر بنیاد «دگانه گلی» یا چند خدا پرستی بنا نهاده شده است.

دگانه آتش (دسویسده -) به معنای سخن، در برابر دروگ (د -) به معنای

دروغ، از یک سو، پست مینوی (دوره) به معنای سینه، در برابر انگن

مینوی (د -) به معنای گنده مینو، از سوی دیگر گذاشته شده است.

آتش و دروغ همه هستی را فرا گرفته است. آتش به دروگ به است، در اوستای

فیرگامانی پست مینو آفریدگار است. دگت، پشت، ایند ۱۱۱. این مفهوم دگامان نیز ابراهمی شود. پست

مینو که نمود کردگاری اورمزد به شمار می رود خود هستی جداگانه ای است. بستگی پست مینو به اورمزد دگامان چون

بستگی شش هستی مینوی که آنان نیز نمود می گویانگون اورمزد اند و بواسطه اورمزد آفریده شده اند، می باشد.

نام این هستی ابرین قرار است: ۱- وهومند (هکسده -) به معنای "شش به" ۲- آتش

(دسویسده -) به معنای سخن ۳- خشنر (سویسده -) به معنای "شتر"، ۴- آرمینیقی

(سد ۶ در ص ۱۰۰) به معنای "عشق" - هوروناث (در ۶۰ ص ۱۰۰) به معنای "درنگ"
 ۱- امرنات (سد ۶ ص ۱۰۰) به معنای "بی مرگی" . ابن کثیر آمیش پنت (سد ۶ ص ۱۰۰) -
 ۲- آمیش پنت (سد ۶ ص ۱۰۰) نامیده شده اند .

آتش پنت به معنای "بی مرگان سپند" است . در آهستای غیر کالانی نوشته های پهلوی

هر یک نگاهبان یکی از ماده ای طبیعت می باشد .

دهرمز نگاهبان چهارپایان

آتش نگاهبان آتش

خشر نگاهبان فتلز

آریشی نگاهبان زمین

هوتات نگاهبان آب

اترات نگاهبان گیاه

در نوشته های مانوی ترناتی آتش پنت به صورت پهلوی اهر سپند و سفدی فر سپند آمده است .

و مراد از آن پنج ماده روشن است : آبر ، باد ، روشن ، آب و آتش .

در گان ترکیب آتش پنت به صورت اسم گرده نیامده است . به عقیده بعضی ، پرشش

شش هستی ، که با پنت مینو به هفت هستی افزایش می یابد ، بازگشتی است به سوی چند خدا پرستی . است

است که آتش پنت در گان نیامده است ، از اسبکی برخی از آنان به داده ای طبیعت در گان پیداست ،

از جمله بستی هوذات و امرات با خوردنی است. همچنین نزدشت در گمان این هستی ارا (ص ۱۳۴) ۱۶۱۴
 پمخای هستان می بنداشته است. و چنانکه در پیش گفته شد، ایشان کارگردانان پنجبقات و نمودهای گوناگون
 اورمزد اند و نه خود خدا. پس نظر آنان که پرستش این هستان را بازگشتی به سوی چند خدا پرستی می دانند،
 درست نیست.

نکته ای که در اینجا باید بدان توجه کرد این است که پست منو، نمود آفریدگاری اورمزد است
 (ابند ۱۱۱) در اوستای سوجو نگاهبان چیزی نیست. بند هشن از یکایک اشپندان سخن می گوید، و از آنها چنین یاد
 می کند: «دوم از بنوگان بهمن است که از هشن گیتی او نگاهبانی چهار پابان را به خویش گرفت. و سوم از بنوگان
 او پست است که از هشن گیتی او نگاهبانی آتش را به خویش گرفت. پنجمین بنوگان امرات است که از
 هشن گیتی او نگاهبانی گناه را به خویش گرفت.»

در اینجا اورمزد در رأس اشپندان قرار داده او نگاهبانی مردم را به عهده گرفته است. در اوستا
 هرگز اورمزد چنین معنای نداشته و بهجوقت به صورت اشپنت نیامده است. در نوشته های پس از اوستا، اورمزد
 به خدای کارهای پست منو را به عهده می گوید، و در برابر اهریمن می ایستد. از آنجا که طبق اوستا پست منو در رأس
 آتش پست جای دارد و در بند هشن اورمزد در رأس اشپندان است و نگاهبانی مردم را به عهده گرفته، می توان
 فرض کرد که پست منو در اوستا نگاهبان مردم بوده است.

در دین نزدشت «جنوی ازلی که یکی به دیگری بد است با هم در نبردند، و مردمان با آزار و
 هاجمی خود می نوازند پیری یکی از این دو بنو را برگزینند. فردمنه ان و دانایان و درسته ان راستی، که از

میروی به پردی می‌کنند، سرانجام پیروز خواهند شد و پادشاهش آنان بهترین هستی است. مگر آنان در روز قیامت
 که راه میروی به راه برگزیده اند. سرانجام شکست خواهند خورد و پادشاهش آنان بدترین هستی است :



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی